

## این همه جیغ بنفش برای چیست؟

برخی مواقع انسان تامل می‌کند که کشورهای اروپایی و آمریکا که حدود ۱۰ درصد جمعیت کره زمین را داشته‌اند چگونه ظرف ۲۰۰ سال گذشته بطور مطلق اقتصاد دنیا را در دست داشته‌اند و بر ۹۰ درصد جمعیت کره زمین تسلط داشته‌اند؟

راهکار اجرایی اصلی آنها چه در گذشته و چه هم‌اکنون، تاسیس و استقرار شرکتهای تجاری بزرگ با توانایی‌های مهندسی فوق‌العاده و پشتوانه مالی قدرتمند با حمایت‌های همه‌جانبه دولتی بوده است. این شرکت‌ها از چنان توانایی‌هایی در سرتاسر دنیا برخوردار هستند که می‌توانند هر پروژه‌ای در تخصص خود را در هر نقطه‌ای از دنیا به انجام برسانند. طبیعتاً چنین حضور گسترده‌ای در نقاط مختلف دنیا نیازمند یک پشتوانه مالی خلل‌ناپذیر است که طبیعتاً با دخالت و حمایت دولتهای آنها به انجام می‌رسد و در عوض، دولتهای متبوع با اخذ مالیات از این شرکتها، اوضاع خود را سروسامان می‌دهند.

برای اجرای پروژه‌های عظیم مهندسی سه عامل اصلی نیاز است که باید تامین شوند: ۱- تامین مالی - ۲- تامین نیروی انسانی متخصص (برای طراحی و اجرا - مستلزم دانش فنی) - ۳- تامین تجهیزات و ماشین‌آلات.

کشورهای پیشرفته در تامین این سه عامل، بسیار قدرتمند عمل می‌کنند مثلاً آمریکایی‌ها یک شرکت به نام General Electric تاسیس می‌کنند که فاخرترین پروژه‌های مهندسی از ساخت و پرتاب ماهواره و مشارکت در ساخت هواپیمای مسافربری گرفته تا زیردریایی اتمی تا تجهیزات خاص پزشکی و لوازم خانگی تا نیروگاه‌های بادی و... را انجام می‌دهد. ما یک بررسی روی نحوه تاسیس و اداره این نوع شرکتها انجام دادیم و متوجه شدیم که تشخیص موسسین این شرکتها و نحوه حمایت مالی آنها بسیار پیچیده و نامعلوم است و نام‌هایی از پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا تا بزرگترین بانک‌های دولتی آمریکا در آن نقش دارند و ارتباط مستقیمی با معتبرترین سناتورهای بانفوذ آمریکا دارند! نتیجه کار می‌شود تعدادی شرکتهای غول‌پیکر مهندسی که همه نوع پروژه‌ای را در سرتاسر دنیا با صدها میلیارد دلار سودآوری می‌بلعند.

در مقابل، کشورهای جهان سوم و فقیر هستند که در تامین حداقل یکی از این سه عامل (که ذکر شد) دچار اشکال هستند و به همین دلیل در رفع نیازهای کشور خودشان هم لنگ هستند و روز به روز بیشتر در فقر و بدبختی فرو می‌روند چون همان اندک بودجه کشورشان هم برای انجام پروژه‌های عمرانی و مهندسی به شرکتهای غربی تقدیم می‌شود و هرگز پول وارد گردش مالی داخل کشور خودشان نمی‌شود. حاکمان و دولتهای این کشورها هزاران بار به مردم خود وعده آبادانی و پیشرفت می‌دهند در حالیکه هرگز به مقصود نمی‌رسند و هرگز هم نمی‌فهمند که از کجا ضربه می‌خورند!

همیشه شنیده‌ایم که کشورهایی مانند هند و پاکستان و ایران (از نظر ژنتیکی) دارای بالاترین ضریب هوشی در دنیا هستند ولی از طرفی جزء کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه قرار دارند. در واقع، وقتی آن سه عامل در کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند تا چنان

شرکتهایی ایجاد شوند، هرگز نیروی انسانی نخبه و نابغه هم کارایی خاصی ندارد. مثلا در همین ایران، تا پیش از انقلاب، تقریبا تمام پروژه‌های عمرانی کشور مانند جاده‌ها، سدها، نیروگاه‌ها، شهرسازی و حتی تنظیم و برنامه‌ریزی ترافیک شهری!! هم توسط شرکتهای خارجی انجام می‌شد و یک ایرانی هرگز نمی‌توانست اعتماد بنفس لازم را کسب کند.

بعد از انقلاب و پس از پایان جنگ، برای اولین بار در تاریخ ایران و شاید در کل کشورهای خاورمیانه و مسلمان، یک شرکت بزرگ مهندسی تاسیس شد که بخوبی توانست هر سه عامل حیاتی را بطور همزمان داشته باشد. این شرکت در مدت چندسال تبدیل به یک غول مهندسی شد که تمام پروژه‌های عظیم مهندسی و عمرانی را از شرکتهای خارجی پس گرفت و با موفقیت به انجام رسانید شامل پروژه‌های متعدد ساخت؛ جاده‌ها و اتوبان‌ها، نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها، سد و انتقال آب، پروژه‌های فراساحلی و ساخت سکوهای دریایی و لوله‌گذاری در کف دریا، مترو و حفر تونل و غیره. در واقع این شرکت توانست غرور جوانان ایرانی را به آنها بازگرداند و بجای ایجاد اشتغال برای جوانان خارجی، برای جوانان و متخصصان ایرانی ایجاد شغل کند. بودجه عمرانی سالیانه کشور نیز بجای خروج از کشور، در بین مردم و کارگران و پرسنل ایرانی توزیع شد. این «آبر شرکت مهندسی» همان «قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا» است.

این شرکت به اقرار دوست و دشمن، بسیار چابک و ماهرانه عمل کرده و توانسته شرکتهای خصوصی بسیاری را درگیر و سهیم در پروژه‌های خود کند؛ هر متخصصی را از هر دانشگاهی و از هر جای ایران و حتی خارج از ایران بکار گیرد، هر قطعه و ماشین آلاتی را حتی در سخت‌ترین شرایط تحریم توسط واسطه‌هایی به کشور وارد کند، در هر نقطه‌ای از ایران از دل کویر شرق ایران تا ارتفاعات کوهستانی غرب ایران حضور داشته باشد، تامین مالی عظیم‌ترین پروژه‌ها را بواسطه اعتبار خود جذب کند و در یک کلام، یک "شرکت مهندسی تمام عیار" باشد. موفقیتها به گونه‌ای بوده است طبق اعلام فرمانده این قرارگاه در سال ۹۵، "این قرارگاه ۱۵۰ هزار نفر پرسنل دارد که ۵ هزار نفر آنها نیروی استخدامی و بقیه از بخش خصوصی و پیمانکاران هستند و برای حدود ۵۰۰ هزار نفر هم بطور غیرمستقیم ایجاد اشتغال شده است. قرارگاه با ۵ هزار شرکت پیمانکار بخش خصوصی فعالیت دارد و ...".

امروز مردم ایران، سرعت توسعه آبادانی و ساخت و ساز پروژه‌های عمرانی نسبت به سالهای قبل را بخوبی احساس می‌کنند.

با رشد و توسعه این شرکت (قرارگاه) و کوتاه شدن دست شرکتهای غربی از بازار پرمنافعت و بزرگ ایران، غربی‌ها و بخصوص آمریکایی‌ها عزم خود را جزم کردند تا آن را مهار کنند چراکه اگر این شرکت تبدیل به یک الگوی موفق شود، سایر کشورهای مسلمان نیز از آن الگو برداری می‌کنند. مثلا سال گذشته رئیس جمهور مصر (السیسی) اعلام کرد که برای ساخت کانال دوم موازی با کانال سوئز، از توان مهندسی ارتش این کشور استفاده کرده است! در حالیکه تا پیش از این، استفاده از توان مهندسی نیروهای نظامی در کارهای عمرانی در هیچ کشور مسلمانی سابقه نداشته است. این مشخصا یک الگوبرداری از قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران است. از سال ۲۰۱۰ تحریم‌های سختی از سوی آمریکا برای شرکتهای اقماری آن ایجاد شد. از آنجا که برای ریشه‌کن کردن یک ملت، بهترین راه، استفاده از برخی انسانهای خوددروخته خودشان است لذا همزمان با آنها، برخی افراد در کشور نیز شروع به جوسازی علیه قرارگاه کردند و "جیغ بنفش" سر دادند که مثلا:

۱- "قرارگاه، رقیب بخش خصوصی است" در حالیکه امروزه قرارگاه با ۵ هزار شرکت خصوصی کار می‌کند و خیلی از جوانان و تحصیلکرده‌های این مملکت بواسطه این پروژه‌ها مشغول کار شده‌اند. آیا اگر خارجی‌ها برنده این پروژه‌ها می‌شدند شغل‌هایی غیر از

دربانی و کارگری صرف را به ایرانی‌ها می‌دادند؟! ضمن اینکه سپاه اعلام کرد برای رشد شرکتهای خصوصی کوچک در پروژه‌های زیر ۱۰۰ میلیارد تومان شرکت نخواهد کرد و در پروژه‌های بالاتر از این مبلغ هم اگر یک شرکت خصوصی ایرانی واقعا توانایی اجرا داشته باشد، قرارگاه در مناقصات شرکت نخواهد کرد.

۲- "قرارگاه فساد انگیزی می‌کند" در حالیکه به اقرار همگان، قرارگاه بصورت شرکت در مناقصات و با قیمتی خیلی کمتر از رقبای خارجی برنده انجام پروژه‌ها می‌شده است. فساد انگیزی در جایی است که افرادی با دلال‌بازی و پولشویی و تاسیس شرکتهای کاذب و کاغذی، میلیاردها تومان سود می‌کنند بدون اینکه در عالم بیرون حتی یک آجر جابجا کنند! نه اینکه جایی مثل قرارگاه که هزاران پروژه عمرانی در دست احداث دارد و نتایج آن را بطور روزانه مردم در شهرها و کشور خود ملاحظه می‌کنند. نکته جالب اینجاست که خارجی‌ها اگر بدانند که هیچ رقیب داخلی ندارند، قطعاً در پشت پرده با شرکتهای خارجی رقیب تباری می‌کنند و قیمت‌ها را افزایش داده و پروژه‌ها را بین خود تقسیم می‌کنند. ولی وقتی بدانند که یک رقیب قدرتمند مثل قرارگاه دارند مجبور هستند قیمت‌های معقول و منطقی بدهند تا برنده شوند.

۳- "قرارگاه یک نیروی نظامی یا شبه نظامی است" که انسان تصور می‌کند اینها گروهی شکارچی انسان هستند! که برای تفریح و سرگرمی در تعطیلات پایان هفته در جاده‌ها و شهرها کمین کرده و با تفنگ شکاری دوربین‌دار! به شکار مردم می‌پردازند!! امروز کدام شهر و شهرستان و روستا هست که به نحوی از خدمات سازندگی و عمرانی قرارگاه منتفع نشده باشد؟ فقط آدم‌های ساده لوح مرعوب این تبلیغات می‌شوند و بس.

وقتی ما می‌بینیم که قرارگاه سپاه در صدر تحریم‌های اروپا و آمریکا قرار می‌گیرد باید هر ایرانی از خود بپرسد که "این همه بیخ بنفش برای چیست؟". کدام منفعت اینها از دستشان رفته که اینطور شیون و فغان به راه انداخته‌اند؟ یک ایرانی باغیرت، حتی اگر از نظر سیاسی و عقیدتی با سپاه مخالف باشد، باید عمیقاً نسبت به قرارگاه به عنوان "یک غول مهندسی در دنیای اسلام" تعصب خاص داشته باشد و آن را مایه افتخار و غرور خود بداند و اجازه ندهد که افراد «کوتاه فکر» و «اندک بین» برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت خود، این افتخار مهندسی در جهان اسلام را تحقیر کنند.